



بررسی فرآیند اسلامی کردن دانشگاه ها در ایران (با رویکرد سیاست گذاری فرهنگی)

نویسنده: خانم محمدی، کریم

علوم اجتماعی :: مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی :: پاییز و زمستان 1385 -

شماره 31 و 32

از 81 تا 122

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/211284>

دانلود شده از : اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تاریخ دانلود : 1393/07/26 17:15:01

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران (با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی)

کریم خان محمدی*

چکیده

شکی نیست که ارزیابی روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها، آنهم پس از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب فرهنگی - سیاسی ایران؛ از اهمیت بالایی برخوردار است. مقاله‌ی حاضر با رویکرد سیاست‌گذاری عمومی؛ درصدد نقد و بررسی پروژه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌هاست.

چارچوب مورد استفاده‌ی این تحلیل، الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی است، چون روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در طی طول زمان و در مراحل مختلف رخ داده است. این مقاله برای روشن شدن فضای مفهومی بحث، به ناگزیر تاریخچه‌ی مختصری از مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها را ارائه نموده است که طی آن اشاراتی مفید و مختصر به تاریخچه اسلامی کردن علوم در جهان اسلام؛ تاریخچه اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران (البته روند

*. عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم، قم.

اسلامی سازی دانشگاه‌ها پس از انقلاب) دارد.

نکته‌ی دیگر، بررسی دو نوع گفتمان در روند این اسلامی سازی است: گفتمان سیاستی و گفتمان ارشادی که طی آن، به بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و سپس مقام معظم رهبری در مورد چگونگی برخورد آنها با مقوله‌ی اسلامی سازی دانشگاه‌ها پرداخته است. در نهایت در این مقاله تلاش شده تا پدیده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران بر مبنای مراحل تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرد؛ یعنی مراحل همچون: تشخیص مسأله، مبانی نظر مسأله‌یابی و راه حل‌یابی، شناسایی راه حل‌ها، تصمیم‌گیری، انتخاب ابزار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین بودجه و آنگاه بازخورد و ارزیابی سیاست اجرا شده.

واژگان کلیدی

اسلامی کردن دانشگاه، گفتمان سیاستی، گفتمان ارشادی، دانشگاه، استاد، دانشجو، مدیریت دانشگاه، شناسایی مسائل، شناسایی راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و اخذ بازخورد، ارزیابی سیاست‌های اجرا شده، محتوای دروس، سیستم آموزشی.

در دوران معاصر هم‌زمان با جهان‌شمولی فرهنگ غرب، جریان مقاومت تحت عناوین «استقلال خواهی»، «احیاء» و «حفظ هویت» شکل گرفته و در مقابل فرهنگ غرب قرار گرفته است. در کلیه‌ی جوامع شرقی به ویژه در جوامع اسلامی، از جمله ایران، تقابل فرهنگی بومی (ایرانی - اسلامی) و فرهنگ جدید غربی از چالش‌های عمده‌ی دو بیست سال اخیر بوده است.

واکنش ایران به دخالت بیگانه به خاطر داشتن «فرهنگ دیرینه» و درون مایه‌های اعتقادی دیرین؛ همچون اعتقاد به تقابل «حق» و «باطل» شدیدتر بوده و به تعبیر نیکی، آر. کدی، ایران را به یک کشور شورش خیز تبدیل کرده است.*

جنبش‌های ایران همچون: جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت، جنبش نفت و قیام ۱۵ خرداد، در نهایت در سال ۵۷ با انقلاب اسلامی به ثمر نشست و نظام «جمهوری اسلامی» را جایگزین نظام پادشاهی کرد. محققان معتقدند که ماهیت نظام جمهوری اسلامی در چهار مفهوم محوری «استقلال»، «آزادی»، «جمهوریت» و «اسلامی بودن» متبلور است.^(۱) انقلاب اسلامی ایران بر اساس یافته‌های پژوهشی، جنبه‌ی اقتصادی نداشت و عمدتاً بر فرهنگ متمرکز بود. همچنان که تحلیل شعارهای انقلاب نشان می‌دهد ۵۴/۵ درصد از شعارهای انقلاب، ارزش‌های فرهنگی و ۳۹/۶ درصد شعارها، ارزش‌های سیاسی را مورد هدف قرار داده و تنها ۵/۹ درصد شعارها جنبه‌ی اقتصادی داشت.^(۲) امام خمینی (ره) انقلاب ایران را یک انقلاب فرهنگی ارزیابی نمودند. پس از پیروزی انقلاب، انقلاب فرهنگی مهم‌ترین دل مشغولی رهبران انقلاب بود و این توجه عمدتاً به دانشگاه‌ها معطوف گشت. زیرا فساد و صلاح کشور به دانشگاه‌ها وابسته است.

*. نیکی، کدی، ۱۳۷۸، چرایی انقلابی شدن ایران، ترجمه فردین قریشی، فصلنامه متین، سال اول، ش ۲، ص ۲۲۱.

۱. کریم خان محمدی، ۱۳۸۱، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۲۰، ص ۲۰۸.

۲. محمد حسین پناهی، ۱۳۷۸، فصلنامه علوم اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه، ش ۱۲-۱۱.

دانشگاه مرکز پرورش دانشمندان و مدیران یک کشور است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دو گروهند که اگر اصلاح شوند جامعه به صلاح می‌گراید و اگر فاسد گردند جامعه فاسد می‌شود، گفته شد یا رسول الله آن دو گروه کیانند؟ فرمود: دانشمندان و مدیران.»^(۱)

به نظر می‌رسد ارزیابی فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها، پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب فرهنگی - سیاسی ایران، از اهمیت به سزایی برخوردار است. این مقاله در صدد است با یک چشم‌انداز کلی و با رویکرد سیاست‌گذاری عمومی، پروژه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها را نقد و بررسی نماید. از آن جا که این پروژه در طی زمان رخ داده و مراحل مختلفی را طی نموده است، الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی به عنوان چارچوب تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. قبل از ارائه‌ی الگوی تحلیل، جهت روشن شدن «فضای مفهومی» و زمینه‌ی بحث، تاریخچه‌ی مختصری از «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» ارائه می‌شود.

تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها

جهت ارائه‌ی چشم‌انداز جامعی از قضیه، تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دو سطح جهان اسلام و ایران، به صورت مختصر و گذرا گزارش می‌شود.

الف) تاریخچه‌ی اسلامی کردن علوم در جهان اسلام

۱- تأسیس جمعیت جامعه‌ی مسلمان توسط اتحادیه‌ی دانشجویان

۱. شیخ صدوق، الخصال، ۱۳۶۲، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ص ۳۶.

مسلمان آمریکا و کانادا به پیشنهاد عبدالحمید ابوسلیمان، در سال ۱۳۹۲ هـ. ق / ۱۹۷۲ م.

۲- برگزاری کنفرانس جهانی اندیشه‌ی اسلامی در لوزان سوئیس، به سال ۱۳۹۷ هـ. ق / ۱۹۷۷ م.

۳- برگزاری اولین کنگره‌ی جهانی اقتصاد اسلامی بنا به سفارش دومین اجلاس جهانی کنفرانس جهانی جوانان مسلمان در دانشگاه ملک عبدالعزیز، به سال ۱۳۸۴ هـ. ق / ۱۹۷۴ م.

۴- انعقاد اولین کنگره‌ی جهانی تربیت اسلامی در مکه‌ی مکرمه بنا به دعوت دانشگاه ملک عبدالعزیز، به سال ۱۳۹۷ هـ. ق / ۱۹۷۷ م.

۵- ایجاد مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی در آمریکا که در سال ۱۴۰۲ هـ. ق / ۱۹۸۱ م به صورت رسمی تأسیس شد و اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و کتاب‌هایی نیز از این مؤسسه ترجمه شده است.

۶- سلسله نشست‌های جهانی کنفرانس اسلامی کردن معرفت، که دومین نشست آن با نام «سمینار اسلامی کردن معرفت» در اسلام آباد پاکستان به سال ۱۴۰۲ هـ. ق / ۱۹۸۲ م تشکیل گردید و بحث‌های آن در کتاب‌های مهمی به زبان انگلیسی با عنوان اسلامی کردن معرفت توسط دکتر اسماعیل فاروق به رشته‌ی تحریر درآمد و انتشار یافت.

۷- مجله‌ی «العالم المعاصر» مقالات و مباحث مفیدی را درباره‌ی بازسازی علوم و به طور خاص علوم اجتماعی به زبان عربی منتشر ساخت.

۸- مجله‌ی آمریکایی «علوم اجتماعی اسلامی» توسط مؤسسه‌ی جهانی اندیشه‌ی اسلامی و جمعیت شناسان مسلمان آمریکا منتشر می‌شود که مقالات و مباحث مفیدی در مورد اسلامی کردن علوم اجتماعی به زبان

انگلیسی منتشر نموده است.

۹ - سرسید احمد خان در علیگره، دانشسرای اسلامی را تأسیس کرد که در ۱۹۲۰ به دانشگاه تبدیل شد.^(۱)

ب) تاریخچه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران

هر چند جنبش اسلام‌خواهی و اسلامی کردن دانشگاه قبل از انقلاب نیز وجود داشت، لیکن از آن جا که این فعالیت‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری عمومی نمی‌گنجد از گزارش آنها صرف نظر نموده و به گزارش روند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها پس از انقلاب اکتفا می‌شود. پیام نوروزی امام خمینی (ره) در سال ۵۹، پس از یک سال و اندی از پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» به شمار می‌آید. امام (ره) در پیام تاریخی خویش فرمودند:

«باید انقلابی اساسی در تمامی دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید، تا استادانی که در ارتباط با شرق و غرب هستند، تسویه گردند و دانشگاه محیط سالمی برای تدریس علوم عالی اسلامی گردد.»^(۲)

متعاقب این پیام، پس از اتمام ترم دوم سال تحصیلی ۵۸-۵۹، دانشگاه‌ها جهت بازسازی تعطیل گردید. این حرکت، سرانجام به «انقلاب فرهنگی» موسوم گشت و امام خمینی (ره) در مورخه‌ی ۱۳۵۹/۳/۲۳ با صدور حکمی «ستاد انقلاب فرهنگی» را تشکیل داده، آن را به اسلامی کردن

۱. علی، دژاکام، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ۱۳۸۲، سال هفتم، ش ۱۷.

۲. امام خمینی (ره)، ۱۳۶۶، پیام نوروزی، به نقل از فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱.

دانشگاه‌ها مأمور نمودند. انقلاب فرهنگی (که نخستین جرقه آن در عید سال ۵۹ بسته شده بود) در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با معطوف شدن توجه مسؤولین امر به جنگ تحمیلی از تبدیل شدن به گفتمان سیاستی عقیم ماند و صرفاً به عنوان گفتمان ارشادی مورد توجه قرار گرفت. سرانجام از اواسط سال ۱۳۶۱، پس از دو سال تعطیلی، به تدریج دانشگاه‌ها بازگشایی شدند. امام خمینی (ره) در مورخه ۱۶/۹/۱۳۶۳ فرمان تشکیل «شورای عالی انقلاب فرهنگی» را صادر فرمودند، اما به خاطر اشتغال ذهنی مسؤولین به مسأله‌ی جنگ، امکان تجزیه و تحلیل و کنکاش درباره‌ی مفهوم دانشگاه اسلامی فراهم نشد، هر چند در دهه‌ی ۶۰ به اقتضای دوران جنگ، در فضای دانشگاهی، مظاهر اسلامی از هژمونی نسبی برخوردار بود، ولی فعالیت محتوایی صورت نگرفت.

پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع مجدد دوران سازندگی، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۴، مقوله‌ی انقلاب فرهنگی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها را دوباره مطرح و در مورخه‌ی ۲۷/۴/۱۳۷۴ وزیر فرهنگ و آموزش عالی را موظف به اسلامی کردن دانشگاه‌ها فرمودند. متعاقب آن ستاد اسلامی کردن دانشگاه‌ها در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل گردید و پس از جلسات متعدد، وظایف ستاد در ده حوزه تفکیک و برای هر حوزه یک کمیته‌ی تخصصی تشکیل گردید که عناوین آنها به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- کمیته‌ی تألیف و ترجمه‌ی کتب علوم انسانی
- ۲- کمیته‌ی بررسی کتب موجود علوم انسانی
- ۳- کمیته‌ی شناسایی و تقویت نیروهای مؤثر مسلمان

۴- کمیته‌ی ارائه‌ی دروس و سمینارهای خاص برای هیأت علمی
مسلمانان در دانشگاه‌ها

۵- کمیته‌ی ارائه‌ی دروس مناسب در دانشگاه‌ها

۶- کمیته‌ی برگزاری سخنرانی‌ها یا سمینارهای مناسب در دانشگاه‌ها

۷- کمیته‌ی مطالعات غرب‌شناسی

۸- کمیته‌ی بازسازی فضای فیزیکی و جوّ فرهنگی در دانشگاه‌ها

۹- کمیته‌ی ارائه‌ی دروس آزاد برای جوانان

۱۰- کمیته‌ی ارتباط با حوزه.

در روز ۱۳۷۵/۲/۲۹ در دیدار وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری، ایشان درباره‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها روشنگری نموده، مردم را در جریان گذاشتند، معظم‌له در این دیدار فرمودند:

«برادران عزیز، دانشگاه اسلامی نیست. باید اسلامی بشود و این نمی‌شود مگر با یک تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلندمدت، برنامه‌ریزی شده و همه‌جانبه از سوی شما...» «من این را با همه‌ی وجود معتقدم که دانشگاه نه فقط از لحاظ علمی، بلکه حتی از لحاظ روشن بینی دینی و عمق مذهبی هم پیش رفته است. از این جهت دچار مشکل نیستیم، لیکن آنچه باید بشود نشده است؛ یعنی هنوز دانشگاه اسلامی نشده است. من از رفتار و روند کار در شورای عالی انقلاب فرهنگی راضی نیستم.»^(۱)

۱. آیت الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، ۱۳۷۵، دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب

متعاقب سخنان رهبری در سال ۱۳۷۵، ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه با رویکرد سیاست‌گذاری در محافل مذهبی حوزه و دانشگاه به گفتمان غالب تبدیل شد. دقت در جملات پیش گفته‌ی مقام معظم رهبری حاکی از نگرانی ایشان از وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها و روند حرکت آن همگام با اهداف نظام اسلامی است. تأکید ایشان بر ضعف مدیریت و نیاز مبرم به برنامه ریزی همه جانبه، نیاز به اتخاذ «رویکرد سیاستی» را در امر اسلامی کردن دانشگاه‌ها محرز نمود. از این روی، طرح پژوهشی «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» توسط معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری اجرا و نتایج آن در زمستان ۱۳۷۵ انتشار یافت. متعاقب آن، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی «دانشگاه اسلامی» به عنوان نهاد علمی دستور مذکور، جهت جمع‌آوری آرا و نظرات مختلف، صورت‌بندی مسائل و ارائه‌ی راه کارهای علمی، پا به عرصه‌ی نشر نهاد.

براساس مصوبه‌ی جلسه‌ی ۴۰۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی به منظور تدوین سیاست‌های لازم برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی با عنایت به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری تشکیل شد. دبیرخانه‌ی این شورا ملحوظ داشتن چند اصل را جزو سیاست‌های راهبردی این شورا دانسته است.

۱- نقد و بررسی منصفانه و به دور از شتاب‌زدگی مجموعه اقداماتی که در گذشته تحت عنوان اسلامی کردن دانشگاه‌ها اتفاق افتاده است.

۲- تلاش برای مبتنی کردن مجموعه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات بر

فرهنگی، سخنرانی مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۹، به نقل از: مصطفی سلیمی، ۱۳۸۲، طرح تحقیق به سوی دانشگاه اسلامی، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۳.

دیدگاه‌ها و مبانی نظری حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری و میدان ندادن به تفسیر و تعبیرهای سلیقه‌ای و تندروانه که اصالت و شان دانشگاه را به عنوان یک نهاد مستقل علمی کمتر مدنظر داشتند.

۳- رعایت استقلال و حفظ حرمت و هویت دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی و مدیریتی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان در پی‌گیری موضوع اسلامی شدن.

۴- پرهیز از شعارگرایی و دور کردن دانشگاه‌ها از عرصه‌های تبلیغاتی و تبدیل شدن آن به موضوعی علمی و با ماهیتی دانشگاهی که قابل نقد و بررسی و پژوهش و برنامه‌ریزی و کنترل و هدایت خردمندانه و واقع‌بینانه باشد. (۱)

پس از سال ۱۳۷۵، در سال‌های ۷۶ و ۷۷، اسلامی کردن دانشگاه‌ها «گفتمان غالب» بود. از سال ۷۷ موج آن فروکش کرد و موج اصلاح‌گرایی جناح چپ و چالش‌های پیش روی آن در عرصه‌ی دانشگاه‌ها جلوه نمود. از همان ابتدای مطرح شدن ایده‌ی «اسلامی شدن» در سال ۷۵؛ دو رویکرد عمده در میان موافقان وجود داشت. یک رویکرد متعلق به جریان سنتی بود که بیشتر به ظواهر اسلامی؛ یعنی حجاب اسلامی و حفظ شعائر اسلامی در محیط دانشگاه توجه داشتند. رویکرد دوم متعلق به جریان راست^(۲)، جوان و نسبتاً نوگرایی حوزه بود که به «تحول عمیق، بنیادی و همه‌جانبه» در محتوای علوم انسانی توجه داشته، خواستار تحول آرام و بدون ایجاد تنش

۱. روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی (رسالت‌ها، اصول و راهبردها)، ۱۳۸۳، تهران، نشر معارف (چاپ محدود).

۲. تعبیر از مقام معظم رهبری، فرمایشات مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۹، پیشین.

در محیط دانشگاه بودند.^(۱) به نظر می‌رسد که ایده‌ی دوم سرانجام به مقبولیت از سوی سران نظام دست یافت. در سال ۸۲ با این که هیچ تغییر عمده‌ای در ظواهر اسلامی و حفظ شعائر نسبت به سال ۷۵ رخ نداده بود، مقام معظم رهبری با اشاره به اعتکاف جوانان در دانشگاه تهران و سایر مراکز علمی نتیجه می‌گیرند که؛

«کسانی که تبلیغ می‌کنند جوان دانشجوی ما از ارزش‌های دینی روی برگردانده و یا سعی می‌کنند این مساله تحقق پیدا کند، راه خطا را طی می‌کنند و البته ناکام هم خواهند شد.»^(۲)

در مقابل؛ ارزیابی مقام معظم رهبری، از پیشرفت محتوایی در علوم انسانی منفی است، ایشان در همان زمان می‌فرمایند:

«ما به خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم - حالا چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌ی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - را به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر

۱. محمد فنایی اشکوری، ۱۳۷۷، دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ص ۲۳.

۲. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، تهران، نشر معارف، چاپ اول، ص ۱۰۵ (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان زنجان مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۲).

نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و براساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم، گاهی این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید.»^(۱)

براساس ارزیابی مذکور، در پاسخ به برنامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان حوزه، مقام معظم رهبری، گفتمان «جنبش نرم‌افزار علمی و دینی» را جایگزین مفاهیم پیشین کرده و فرمودند:

«آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق»، و سهم «منطق»، همه یک جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه‌ی علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.»^(۲)

پیرو پاسخ‌نامه‌ی رهبری که در آن به شورای محترم انقلاب فرهنگی دستور داده شده بود که با فعال نمودن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»؛ «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه‌ی علوم، به ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی را در دستور کار قرار دهند، براساس مصوبه‌ی ۵۳۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۷، شورای عالی انقلاب فرهنگی، «هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره» (به ویژه علوم انسانی و معارف اسلامی) را تشکیل داد.

از جمله‌ی اهداف هیأت «زمینه‌سازی ویژه برای نهضت تولید و

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۵، کتابچه‌آشنایی با هیأت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ص ۱۲.

عرضه‌ی نظریه‌ی اسلامی در علوم انسانی» و «تشویق نخبگان و مراکز علمی کشور به ارائه‌ی نظریات پژوهشی و تولید نظریه در علوم انسانی با اتکاء به مبانی اسلامی به منظور خروج از جزم‌های ترجمه‌ای و وارداتی و نیز تحجر و قشری‌گری» می‌باشد.^(۱)

ناگفته نماند از زمان تصویب نظام‌نامه، تاکنون (مهرماه سال ۱۳۸۵) هنوز فقط یک مورد کرسی نظریه‌پردازی طبق استاندارد نظام‌نامه برگزار شده است.^(۲) علت این امر هم عدم هماهنگی مراکز دست‌اندرکار به ویژه وزارت علوم می‌باشد. به عبارت دیگر هنوز در پیچ و خم اداری است در حالی که مقام معظم رهبری در پایان نامه‌ی خویش نوشته بودند:

«امیدوارم که مراحل اجرای این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد.»^(۳)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چارچوب تحلیل

در این مقاله، تلاش می‌شود پدیده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران براساس مراحل تصمیم‌گیری (که در آثار تخصصی رشته‌ی سیاست‌گذاری عمومی ارائه گردیده)، مورد بررسی قرار بگیرد. سیاست پژوهان این مراحل را به پنج، هفت یا نه مرحله تقسیم کرده‌اند، که عبارتند از: تشخیص مسأله، مبانی نظری مسأله‌یابی و راه حل‌یابی، شناسایی راه حل‌ها، تصمیم‌گیری،

۱. دبیرخانه هیأت، همان، بند ۶ و ۲ از ماده ۴.

۲. حمید پارسانیا، ۱۳۸۵، مورخه ۱۳۸۵/۷/۱۵، مصاحبه با نگارنده.

۳. دبیرخانه هیأت، همان.

انتخاب ابزار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین بودجه، اجرا، بازخورد و ارزیابی سیاست اجرا شده. دکتر اشتریان در مقاله‌ی «تدوین مسایل و آرایه‌ی راه حل‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی»، جوهره‌ی آن مراحل را در پنج مرحله‌ی اساسی ذیل بیان کرده‌اند: (۱)

۱- شناسایی مسایل و معضلات

۲- شناسایی راه حل‌ها و ارزیابی پیامدهای احتمالی هر یکی از راه حل‌ها

۳- تصمیم

۴- اجرا و اخذ بازخوردها

۵- ارزیابی سیاست اجرا شده

یکی از پژوهشگران، فرایند سیاست‌گذاری عمومی یا برنامه‌ریزی جامع را به ترتیب به ۶ مرحله‌ی ذیل تقسیم نموده‌است: (۲)

۱- تعیین اهداف کلان

۲- تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

۳- شناسایی فرصت‌ها

۴- تهدیدات و شرایط محیطی شناسایی و تعیین گزینه‌ها

۵- ارزیابی گزینه‌ها

۶- انتخاب گزینه مناسب اجرای برنامه.

به تناسب موضوع و با توجه به امکان دسترسی به اطلاعات، موضوع

۱. اشتریان، کیومرث، ۱۳۸۱، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: کتاب آشنا، چاپ اول، ص ۱۷.

۲. علی آقا، پیروز، ابوطالب خدمتی و دیگران، ۱۳۸۳، مدیریت در اسلام، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ص ۲۴.

«اسلامی کردن دانشگاه‌ها» با یک چشم‌انداز کلی با توجه به مراحل ذیل، که تلفیق و اقتباسی از اندیشه‌ی محققان سیاسی است، مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱- شناسایی مسایل و معضلات

۲- تعیین اهداف (کلان - خرد)

۳- تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

۴- شناسایی راه‌حل‌ها با توجه به امکانات و اهداف و اخذ تصمیم

۵- اجرا و اخذ بازخوردها

۶- ارزیابی سیاست اجرا شده

با عنایت به مراحل شش‌گانه‌ی فوق، روند «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» در دهه‌ی سوم انقلاب؛ یعنی از سال ۱۳۷۵ (که گفتمان سیاسی جایگزین گفتمان ارشادی گردید) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته ممکن است کسی معتقد باشد در جایی که گفتمان سیاسی کارایی^(۱)؛ یعنی توانایی انجام درست کارها را نداشته باشد، گفتمان ارشادی ارجحیت پیدا کرده، اثربخشی^{(۲)(۳)} خواهد بود. اما آنچه در ایران اتفاق افتاد و اراده‌ی مقام معظم رهبری بدان تعلق گرفت، گفتمان سیاسی بود. این مقاله با اذعان به کمبود اطلاعات، از نگاه یک پژوهشگر علوم اجتماعی در جایگاه مرحله‌ی ششم به ارزیابی سیاست اجرا شده می‌پردازد.

1. Efficiency

۲. کارایی، توانایی انجام درست کارهاست و اثربخشی، توانایی انجام دادن کارهای درست است.

3. Effectiveness

۱- شناسایی مسائل و معضلات

شناخت عینی مسأله، بخش بنیادی سیاست‌گذاری است. اگر مسأله به صورت عینی تشخیص داده نشود و یا سیاست‌گذاری معطوف به هدفی آرمانی یا ارزشی نباشد، سیاست‌گذاری براساس امر خیالی مبتنی خواهد شد که نامناسب‌ترین نوع سیاست‌گذاری است.^(۱)

به نظر می‌رسد در مقوله‌ی «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» سیاست‌گذاری معطوف به آرمان اسلامیت نظام بوده و چنان نبود که در سال ۷۴ در دانشگاه‌ها معضل عمده‌ای پیش بیاید و رهبری نظام در صدد برطرف کردن آن برآید. بلکه با توجه به هدف کلی «اسلامی شدن دانشگاه» به عنوان مرکز تفکر جامعه، رهبری به دنبال خط مشی‌های عینی بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی این وظیفه را به عهده داشت. از این روی ایشان فرمودند: «من از رفتار و روند کار در شورای عالی انقلاب فرهنگی

راضی نیستم، دانشگاه اسلامی نیست باید اسلامی بشود.»^(۲) ایشان در سال ۱۳۷۵ ضمن تأکید بر مواضع قبلی خویش، مبتنی بر لزوم برنامه‌ریزی کوتاه مدت و درازمدت، با اشاره به سطحی نگری فرمودند:

«این گونه کارها منحرف کردن مسأله از سیر حقیقی و ظلم به هدف عالی اسلامی کردن دانشگاهها است. آینده‌ی این کشور و این انقلاب به اسلامی کردن دانشگاهها وابسته است و هنوز پیشرفت محسوسی در این زمینه نبوده است.»^(۳)

۱. اشتریان، همان، ص ۴۷.

۲. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵، مورخ ۷۵/۲/۲۹، به نقل از سلیمی، پیشین.

۳. روزنامه‌ی ایران، مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۰، شماره ۴۶۷، ص ۲.

پس از هدف‌گذاری آرمانی، نوبت به مسأله‌شناسی می‌رسد، به این معنی که دانشگاه‌های ایران چه ویژگی‌هایی دارند که غیر اسلامی تلقی می‌شوند؟ دانشگاه‌های ایران از چه مسائل و آسیب‌هایی برخوردار هستند؟ در این مقوله بحث‌های مفصلی صورت گرفت. مروری بر شماره‌های ۱ تا ۷ فصل‌نامه‌ی دانشگاه اسلامی نشانگر درج بیش از ۱۷ مقاله و گفتگو در باب مفهوم‌شناسی دانشگاه اسلامی و شناخت مسائل دانشگاه‌ها است. طیف وسیعی از آسیب‌ها در سال‌های ۷۶ و ۷۷ در مجلات درج گردید. (۱) از آن جا که موضوع مقاله، بررسی سیاست‌گذاری عمومی است، ارزیابی طرح مطالعاتی معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها از سیمای کلی دانشگاه‌ها گزارش می‌شود:

- بخش قابل توجهی از اساتید از کسانی هستند که یا تربیت‌یافتگان و مروّجین فرهنگ علمی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی‌اند و یا با اسلام امام راحل؛ یعنی اسلام انقلاب، اسلام ستیزنده و معارض با استکبار و اسلام اداره‌کننده‌ی کشور و انقلاب و زندگی اجتماعی سرناسازگاری دارند.

- سیستم آموزش بازمانده از دانشگاه قبل از انقلاب اسلامی است که مشوّق مدرک‌گرایی می‌باشد.

- مدیران متشرع، اما منفعل در برابر مجموعه شرایط و جامعه‌ی اساتید مذکور و در نتیجه فاقد تحرک و ابتکار هستند.

- دروس دانشجویان به ویژه در علوم انسانی فاقد محتوای اسلامی

هستند

۱. عباس، زراعت، ۱۳۷۶، راهکارهای عملی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی، سال

اول، ش. ۲.

- دانشجویان نیز دانشجویانی هستند که در شرایط سنی، فکری، سیاسی خاص و در شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ به سر می‌برند. با توجه به ارزیابی فوق، ارکان سه‌گانه دانشگاه؛ یعنی «اساتید»، «سیستم آموزشی» و «محتوای دروس» هیچ کدام اسلامی نیست. در چنین شرایط حساسی اقتضای سیاست‌گذاری عمومی این است که مدیریت متمرکزگشته و یک ستاد مرکزی پس از جمع‌بندی مسائل و با درایت تمام به سیاست‌گذاری بپردازد. لیکن در ایران در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها مدیریت واحدی وجود نداشت. علی‌الظاهر خطاب رهبری به شورای عالی انقلاب فرهنگی است که پیرو آن «شورای اسلامی شدن» در سال ۷۶ تشکیل شد. لیکن متولیان دیگری نیز بودند که به یک منبع و ستاد مرکزی ختم نمی‌شد. نویسنده‌ای در شماره‌ی دوّم مجله‌ی دانشگاه اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی را مورد انتقاد قرار داده و نوشت:

«در پی ابلاغ مصوبه‌ی ستاد اسلامی کردن دانشگاه‌ها (مستقر در وزارت فرهنگ و آموزش عالی) به شماره‌ی ۱۵۰۱۴/۱۸۴/س ت مورخ ۲۴/۱۱/۷۵ به دانشگاه، مبنی بر تشکیل شورای اسلامی کردن دانشگاه‌ها در هریک از دانشگاه‌های کشور، گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که این شوراها به تدریج در دانشگاه‌ها تشکیل شده و یا در حال تشکیل است. براساس گزارش‌های مزبور، در حال حاضر بخش اعظم موضوعات در دستور کار این شوراها، تنظیم آیین‌نامه و شرح وظایف و ترکیب اعضای آنها است و تاکنون گزارشی از آغاز یک مطالعه‌ی علمی و جدی در

حوزه‌ی تخصصی یک دانشگاه و رشته‌های علمی مربوطه و برداشتن اولین گام‌های لازم برای تدوین اصلی‌ترین سؤالات مورد نیاز در موضوع «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» به دست ما نرسیده است. مجله‌ی دانشگاه اسلامی ضمن آرزوی توفیق برای این شوراها، هشدار می‌دهد که در افتادن به وادی بحث‌های سطحی و تعیین حد و مرزهای دیوان‌سالاری راه به جایی نمی‌برد و جز ایجاد فاصله و دوری از هدف والای «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» نتیجه‌ی دیگری در پی ندارد.»^(۱)

نهاد دیگری که خود را در اسلامی کردن دانشگاه‌ها سهیم می‌دانست دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بود، که در تیرماه سال ۷۶ طی نامه‌ای به مدیر مسؤول فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ضمن برحذر داشتن از افراط و تفریط و توجه به بُعد روان‌شناختی قضیه، اهم آفات اسلامی شدن دانشگاه‌ها را گوشزد کرد که عبارتند از:

(الف) توهم «فدا شدن روحیه‌ی علمی و ابداع و ابتکار»

(ب) توهم «دستوری بودن و تحمیل از بیرون»

(ج) ظاهرگرایی افراطی در مقابل غفلت مطلق از ظواهر دینی

(د) گمان «جناح‌بندی‌های سیاسی» به مثابه عامل محرک

(ه) تصور «حوزوی کردن دانشگاه»^(۲)

به نظر می‌رسد وجود شکاف بین نهادهای وابسته به رهبری و وزارت فرهنگ و آموزش عالی که مورد خطاب سیاستی قرار گرفته بود، فرایند

۱. فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ش ۲، س ۱۳۷۶، ص ۱۱۵

۲. علیرضا، اعرافی، ۱۳۷۶، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره‌ی ۲، ص ۱۲۱.

سیاست‌گذاری را کنند و از اهداف مقام معظم رهبری (که خواهان تسریع در کارها و دوری جستن از دیوان‌سالاری مخرب بود) دور می‌ساخت، چنان‌که می‌بینیم شورای اسلامی کردن دانشگاه‌ها با دو سال تأخیر در سال ۱۳۷۷ تشکیل و ریاست «شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی» از سوی ریاست محترم جمهوری (سید محمد خاتمی) به کسی واگذار می‌شود که اصولاً مورد پذیرش مراکز حوزوی و نهادهایی که خودشان را متولی اولیه‌ی اسلامی شدن می‌دانند نیست و همین شکاف باعث شد گفتمان سیاستی به معارضه‌ی سیاسی تبدیل گردد.

۲- تعیین اهداف

اهداف را می‌توان به دو سطح کلان و خرد تقسیم نمود تا براساس آن سیاست‌های راهبردی و اجرایی تعیین گردد.^(۱) علی القاعده هدف کلان می‌بایست از سوی مقام معظم رهبری تعیین می‌شد که براساس راهبردها و سیاست‌های اجرایی مشخص شود، ایشان فرمودند:

«آنچه باید بشود هنوز نشده است؛ یعنی دانشگاه، اسلامی نشده است، دانشگاه این کشور را اسلامی کنید. این تحول بنیادین است با یک ذره دو ذره، با تصمیم‌گیری‌های جزئی و تبعی انجام نخواهد شد. بلکه با تصمیم‌گیری‌های کلان عملی است.»^(۲)

۱. علی آقا، پیروز، پیشین.

۲. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویان مسلمان، تهران: نشر معارف، چاپ اول، (نقل دیدار با جمعی از فضلا حوزه و اساتید دانشگاه در سال ۱۳۷۶).

در گفتمان رهبری؛ دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که «علم از درون
میانی فکری و اعتقادی خود ما بجوشد و ما دست‌گدایی به سمت دشمن دراز
نکنیم»^(۱). اساتید نباید با اسلامی شدن دانشگاه معارضة داشته باشند.

«آن کسانی [اساتید] که در دانشگاه بخواهند ایمان
اسلامی و ایمان انقلابی را ندیده بگیرند و بخواهند برخورد
کنند، بدون تردید بدانید... مثل دندان فاسدی آنان را
می‌کنیم و بیرون می‌اندازیم.»^(۲)

دانشجویان می‌بایست علاوه بر سازندگی علمی از سازندگی اخلاقی نیز
برخوردار شوند.

«در رژیم گذشته محیط دانشگاه به عنوان محیط بی‌دینی
ورها بودن از تقیدات شرعی تلقی می‌شد... رژیم این روحیه
و این تلقی را در جوانان بیشتر می‌دمید.»^(۳)

روش حاکم بر دانشگاه نیز باید اسلامی باشد:

«البته آنچه مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که
روش باید صد در صد اسلامی باشد. مادامی که دانشگاه
متخصصین مسلمان و متعهد نباشد مطلوب انقلاب نخواهد
بود. و این ممکن نیست مگر این که اساس و روش و سیستم
در دانشگاه‌ها اسلامی باشد.»^(۴)

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۱۹.

۴. آیت الله خامنه‌ای، مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۸، سایت دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مدیریت دانشگاه نیز باید از صبغه‌ی اسلامی برخوردار باشد:

«بایستی ریاست دانشگاه‌ها ریاست علمی باشد... اما علم باید با عمل و با اعتقاد توأم باشد؛ یعنی آن طور نباشد که یک آدم بی‌اعتقادی که... اصلاً اعتقادی به اسلام ندارد... در راس کارها باشد.»^(۱)

با توجه به گزاره‌های بالا، «علم» و «عالم»؛ سه عنصر کلیدی دانشگاه؛ یعنی «دانش»، «استاد» و «دانشجو» می‌بایست اسلامی باشد. حال مولفه‌های اسلامی بودن چیست؟ هدف ما رسیدن به کدامین نقطه از مراتب اسلامی بودن می‌باشد؟ این‌ها سئوالاتی است که متولیان سیاست‌گذاری می‌بایست به طور شفاف، هدف‌گذاری و تعیین نمایند.

نهاد رهبری در دانشگاه‌ها طی پژوهشی، دانشگاه را در مجموع به شش عنصر تقسیم نمود که در مجموعه‌ی نظرات و اندیشه‌های متفکران منعکس شده بود آن عناصر عبارتند از:

- ۱- سیستم آموزشی
- ۲- محتوای آموزشی
- ۳- مدیریت
- ۴- اساتید
- ۵- دانشجویان
- ۶- فضای دانشگاه

نهاد رهبری در این پژوهش در مقوله‌های شش‌گانه‌ی مذکور، سخنان رهبری را بازگو نموده، لیکن با ادبیات سیاستی «شفاف‌سازی» نکرده است.

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، مورخ ۱۳۶۹/۸/۱، همان.

یعنی از سطح اهداف آرمانی به سطح تعاریف عملیاتی مبدل نساخته است. و همین عامل باعث شده تا در ارائه‌ی راهکارها نیز به نقل بایسته‌ها اکتفا نموده و از نقد «این همانی» در امان نباشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با پذیرش گونه‌شناسی عناصر دانشگاه برحسب شش عنصر در مورخه ۱۳۷۷/۹/۱۷، اصول اختصاصی دانشگاه اسلامی را به ترتیب اهمیت و اولویت در اصول سه‌گانه‌ی ذیل تصویب نمود:

اول: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ بینش توحیدی در تمام شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه‌ی دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم آموزی به منزله‌ی یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش اینفای نقش می‌کند.

دوم: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد.

سوم: دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن؛ افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسؤولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند.^(۱) چشم انداز فوق کلی بوده و این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا با تعاریف فوق، دانشگاه‌های ایران اسلامی نیست؟ به نظر می‌رسد در اصول فوق «گفتمان فقهی - هنجاری» در باب اسلامی کردن

۱. مصوبه‌ی جلسه‌ی ۴۳۳ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دانشگاه‌ها به گفتمان «اخلاقی»، گردش پیدا کرده است در حالی که در گفتمان حاکم بر مفسرین حوزوی و نهادهای بیرون از دولت خاتمی، گفتمان هنجاری حاکم است و برونداد تفاوت برداشت‌ها، ارزیابی‌های متفاوت از وضعیت دانشگاه‌ها است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- تجزیه و تحلیل منابع و امکانات

پس از این که اهداف مشخص گردید، برای رسیدن به اهداف مرحله‌ای را تعیین می‌کنند تا گام به گام به هدف نزدیک شوند، از این روی ابتدا اهداف کلان و آرمانی را ترسیم نموده و از زاویه‌ی زمان، مکان و محتوا برش می‌دهند تا بتوانند در مقاطع خاص زمانی، بخشی از کار را انجام داده و به برخی از محتواهای قابل وصل دسترسی پیدا کنند. البته قبل از اجرا یکی از گام‌های مهم سیاست‌گذاری بررسی منابع و امکانات موجود و سیاست‌گذاری برحسب توان و امکانات است. به نظر می‌رسد، تصویری که از وضعیت دانشگاه‌ها شده است، توان سیاست‌گذاری را از مدیران سلب می‌کند، وضعیت دانشگاه‌ها بر حسب ارزیابی نهاد در زمینه‌ی عناصر شش‌گانه مرور می‌شود؛ بخش قابل توجه اساتید مطابق آرمان‌های اسلام ناب نیستند، سیستم آموزشی بازمانده قبل از انقلاب بوده و اسلامی نیست، مجموعه‌ی شرایط و جامعه به گونه‌ای است که مدیران متشرع را فاقد تحرک و منفعل نموده است، محتوای دروس به ویژه دروس علوم انسانی غیر اسلامی است. دانشجویان در شرایط سنی، فکری، سیاسی خاص پس از جنگ و انقلاب قرار دارند. با توجه به ارزیابی فوق؛ سوالات ذیل مطرح می‌شود:

اگر بخش قابل توجه اساتید دانشگاه به اسلام مورد نظر اعتقاد ندارند، برای اسلامی کردن عنصر استاد، از کجا استاد تأمین کنیم. مگر نه این است که همین اساتید دانشجویان را تربیت می‌کنند؟ با توجه به عدم اعتقاد اساتید به اسلام ناب، چه کسانی دانشجویان را به تربیت اسلامی مجهز می‌کنند؟ مهم‌تر از موارد فوق، اگر پس از بیست سال از گذشت انقلاب، محتوای دروس دانشگاه غیراسلامی است، چه کسانی باید محتواها را اسلامی کنند؟ اگر بخش قابل توجه اساتید به ایده‌ی «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» باور ندارند، چه کسانی می‌توانند محتوای علوم را در دانشگاه‌ها اسلامی کنند؟

در عین حال باید توجه داشت، که مقام معظم رهبری خواستار «دانشگاه اسلامی» با هویت دانشگاهی بودند نه مکتب‌خانه و این کار جز از دانشگاهیان بر نمی‌آید. خواسته‌ی ایشان این گونه بود:

«دانشگاه این کشور را اسلامی کنید... این با تصمیم‌گیری کلان عملی می‌شود، این تصمیم‌گیری را هم شما [دانشگاهیان] باید بکنید... همه حرف‌هایی که می‌خواهم بزنم بارها گفته شده است... عمل لازم است، عمل! این کاری است ظریف، عمل و کاری است کارستان. کار درست این است که اگر توانستید به صورتی انجام شود که هویت دانشگاه نیز باقی بماند، ما مکتب‌خانه نمی‌خواهیم، دانشگاه اسلامی می‌خواهیم.»^(۱)

۱. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶، دیدار با جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه.

در ایران بودجه‌ی کافی نیز برای تولید و پژوهش به ویژه در علوم انسانی اختصاص پیدا نکرده است. درصد بودجه‌ی تحقیقاتی ایران نسبت به تولید ناخالص ملی (GNP) در سال‌هایی که قرار است سیاست‌های اسلامی کردن محتوای علوم اجرا شود، به قرار ذیل است: (۱)

سال	۱۳۷۲	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
درصد بودجه پژوهشی به تولید ناخالص (GPN)	٪۴۲	٪۵۱	٪۵۸	٪۴۵

جهت شفاف شدن موضوع بودجه‌ی تحقیقاتی برخی قاره‌ها و کشورهای دیگر در سال ۱۹۹۰ م/ ۱۳۶۹ ش با ایران مقایسه می‌شود.

نام کشور و قاره	آمریکا	اروپا	آسیا	کشورهای عربی	ایران	آفریقا
درصد بودجه پژوهشی به تولید ناخالص ملی	۲/۸۷	۲/۲۱	۲/۰۵	۰/۷۶	۰/۴۲	۰/۲۵

همچنان که ملاحظه می‌شود به طور میانگین، بودجه‌ی تحقیقاتی کشور نسبت به GNP از نیم درصد تجاوز نمی‌کند و در مقایسه، تنها از آفریقا بیشتر است. در سال ۱۳۸۵ با ۲۰ صدم درصد از ۶۴ صدم درصد به ۸۴ صدم درصد ارتقا پیدا کرد که به نظر می‌رسد با وضعیت مطلوب فاصله‌ی زیادی

۱. به نقل از روزنامه‌ی همشهری، مورخه ۸۰/۲/۵، ص ۶.

دارد.^(۱) به لحاظ شاخص تعداد پژوهشگر نیز در ایران از وضعیت قابل قبولی برخوردار نبوده است. در ذیل نسبت تعداد پژوهشگر به یک میلیون نفر در سال‌های مختلف ذکر می‌شود. کافی است کشور ایران را با سایر کشورها مقایسه کنید:^(۲)

نام کشور	آلمان	انگلستان	ژاپن	هند	ترکیه	ایران
تعداد پژوهشگر	۲۱۷۸	۱۵۴۹	۴۴۳۶	۲۱۷۰	۲۲۱	۴۸
سال	۱۹۸۴	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۴	۱۹۸۴	۱۹۸۴

۴- شناسایی راه حل‌ها با توجه به امکانات و اهداف و اخذ تصمیم

برنامه‌ریزان فرهنگی، پس از ارزیابی و بررسی استعدادها، توانایی‌ها، امکانات و ظرفیت‌های موجود، ناگزیر به کمک تحلیل محیط داخلی و خارجی به تعیین راه‌بردهای جدید اقدام می‌نمایند. راه‌بردهای جدید می‌بایست عاری از معایب گذشته بوده، متناسب با اهداف و امکانات باشند. تجزیه و تحلیل محیط خارجی و داخلی در تعیین راه‌بردها و سیاست‌های اجرایی لازم و ضروری است. محیط، به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که خارج از مرز سازمان قرار دارند و بر عملیات سازمان تأثیر می‌گذارند.

«عمومی‌ترین مؤلفه‌های محیط، شامل: قوانین و مقررات، شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و

۱. روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۹، ش ۴۱۱۴، ص ۵.

۲. سالنامه آماری ۱۹۸۷ یونسکو

فرهنگی،... دولت، جامعه‌ی سازمان‌های غیردولتی و در سطح بالاتر، نظام ارزش‌ها یا بایدها و نبایدها، باورها و مفروض‌هاست. در بُعد محیط داخلی عواملی نظیر نیروی انسانی، مقررات و روش‌های انجام کار، ساختار و تشکیلات، منابع مالی، فرهنگ سازمان، ظرفیت فیزیکی و اندازه‌ی سازمان مطرح است.^(۱)

سیاست‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها در دو سطح سیاست‌های راه‌بردی و سیاست‌های اجرایی، پس از سه سال از دستور رهبری در سال ۱۳۷۷ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. این سیاست‌ها براساس شش مؤلفه‌ی: استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی و مدیریت تدوین گردید.

شورای اسلامی شدن مراکز آموزش، در مقدمه‌ی «سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن» اذعان می‌دارد که سیاست‌ها می‌بایست به گونه‌ای طراحی و تنظیم گردند که اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی [به عنوان رسالت و چشم‌انداز] تحقق پیدا کند. البته کارایی و اثربخشی سیاست‌های مذکور، مستلزم توجه جدی به مجموعه‌ای از عوامل محیطی است که به نحو مستقیم و غیرمستقیم و به اشکال گوناگون می‌توانند بر تمامی یا بخشی از عملکرد یا اثربخشی راهبردها و برنامه‌هایی که در فرایند اسلامی شدن در حال اجرا هستند، اثر گذاشته و آنها را از مسیر و مقصود اصل منحرف ساخته یا کارایی و اثربخشی شان را افزایش دهند.^(۲)

۱. طبرسا، غلام علی، ۱۳۸۲، تبیین چالش‌های فراسوی سیاست‌گذاری.

۲. روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی (رسالت‌ها،

جملات فوق، مبنی بر این ادعا است که سیاست‌گذاران بر اصل «توجه به امکانات و اهداف» و در نظر گرفتن عوامل محیطی (خارجی - درون سازمانی) توجه داشته و در خاتمه وعده می‌دهند که اجرای این اصول «باور عمومی نسبت به عقاید اسلامی» و «تعهد عملی نسبت به احکام و ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب» را ارتقا می‌بخشد که به صورت شاخص‌هایی قابل بررسی و اندازه‌گیری است.^(۱)

سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن در شش مؤلفه و پنجاه بند به تصویب رسید که با استخدام چندین مفهوم به تناسب موضوع و به اختصار گزارش می‌گردد.

۱ - استاد: جذب اساتید شایسته‌ی متعهد، گزینش اساتید توانمند معارف اسلامی، توأم ساختن تربیت دینی با فعالیت‌های آموزشی، ارتقای معرفت دینی و نظارت از جمله راهبردهای معطوف به مؤلفه‌ی استاد است.

۲ - دانشجو: ارتقای سطح بینش اسلامی دانشجویان، تقویت ایمان و روحیه‌ی آرمان‌گرایی، ارتقای قابلیت‌های دانشجویان در جهت تحقق آرمان‌های اسلامی، قانونمند کردن فعالیت‌های سیاسی - فرهنگی و نظارت و ارزیابی.

۳ - نظام برنامه‌ریزی فرهنگی: ترویج فرهنگ اصیل اسلام در محیط‌های علمی، توجه به مبانی اسلامی در تدوین نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، توجه به نیازها و علایق دانشجویان و ارائه‌ی چهره‌ای جذاب از ارزش‌های اسلامی، اهتمام به احداث مراکز دینی، توجه به عفاف در مراکز آموزشی و نظارت و

اصول و راهبردها)، ۱۳۸۳، تهران دفتر نشر معارف، ص ۱۳.

۱. همان، ص ۲۷.

ارزیابی هدفمند و مستمر بر برنامه‌ریزی فرهنگی.

۴- متون درسی: تدوین متون درسی براساس جهان‌بینی اسلامی، استفاده از روش‌های نوین و کارآمد اسلامی در زمینه‌ی تدوین متون، طراحی برنامه‌های درسی براساس مبانی اسلامی، تأکید بر تناسب متون اسلامی با نیازهای جدید، نظارت و ارزیابی مستمر بر برنامه‌های درسی و آموزشی.

۵- نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی: اصلاح و تدوین نظام برنامه‌ریزی آموزشی با توجه به نیازهای جامعه براساس مبانی اسلامی، توجه ویژه به علوم انسانی، هماهنگ‌سازی علم و دین، تقویت روحیه‌ی تحقیق و تتبع، ایجاد تعادل میان آموزش و پژوهش و نظارت و ارزیابی هدفمند برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی.

۶- مدیریت: تقویت ارزش‌های اسلامی و انقلابی در طراحی و هدایت نظام مدیریتی، طراحی نظام جامع مدیریت و حذف مراکز موازی تصمیم‌گیری، شایسته‌سالاری در مدیریت افزایش کارآمدی روش‌های مدیریتی به منظور تحقق ارزش‌های اسلامی و تقویت ابعاد علمی و اسلامی مدیریت مراکز آموزشی و علمی.

مجموع پنجاه راهبرد اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ۲۶۷ سیاست اجرایی تعریف شده است. در واقع سیاست‌های اجرایی تعاریف عملیاتی راهبردها است که اجرای آنها را برای مدیران تسهیل می‌کند. به طور میانگین برای هر سیاست راهبردی ۵/۳۵ سیاست اجرایی تعریف شده است.

نقدی که از سوی برخی محافل بر این سیاست وارد شد این بود که اولویت‌بندی لازم در مورد پنج عامل صورت نگرفته و این خود می‌تواند در تحلیل رفتن انرژی‌ها و امکانات و بنابراین، در کند کردن روند اسلامی کردن

دانشگاه‌ها مؤثر واقع شود.^(۱)

متعاقب این نقدها، بخش محتوا، از جمله متون درسی بر بخش صورت‌گرا (ظواهر اسلامی) اولویت پیدا کرد. از این روی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جلسه‌ی ۴۴۴ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱ سیاست‌های آموزش‌های دینی را تصویب نمود که آیین‌نامه‌ی اجرایی آن در ۵ ماده و پنج بند در تاریخ ۷۸/۴/۱ به تصویب شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی رسید.

۵- اجرا و اخذ بازخوردها

با توجه به درازمدت بودن فرایند سیاست‌گذاری در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه، زمان زیادی از مدت اجرا سپری نشده است. در عین حال، سیاست‌های اجرایی در ۲۶۷ بند در حال اجراء است. در مقوله‌ی اسلامی کردن محتوا، با توجه به اخذ بازخوردها، گستره‌ی دروس معارف را وسیع‌تر نموده و با توجه به مصوبه‌ی جلسه‌ی ۵۴۲ مورخ ۸۳/۴/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی عناوین سرفصل دروس جدید معارف اسلامی به شرح زیر، به مراکز آموزش عالی ابلاغ شد.

۱. فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره‌ی یک، ص ۶۳

تعداد واحد	عنوان درس	گرایش
۲	- اندیشه‌ی اسلامی ۱ (مبدا و معاد)	۱ - مبانی نظری
۲	- اندیشه‌ی اسلامی ۲ (نبوت و امامت)	
۲	- انسان در اسلام	
۲	- حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام	
۲	- فلسفه‌ی اخلاق (با تأکید بر مباحث تربیتی)	۲ - اخلاق اسلامی
۲	- اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)	
۲	- آیین زندگی (اخلاق کاربردی)	
۲	- عرفان عملی اسلام	
۲	- انقلاب اسلامی ایران	۳ - انقلاب اسلامی
۲	- آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی	
۲	- اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)	
۲	- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	۴ - تاریخ و تمدن اسلامی
۲	- تاریخ تحلیلی صدر اسلام	
۲	- تاریخ امامت	
۲	- تفسیر موضوعی قرآن	۵ - آشنایی با منابع اسلامی
۲	- تفسیر موضوعی نهج البلاغه	

(سایت دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی)

● گذراندن حداقل ۱۲ واحد از دروس مزبور برای دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته و دکترای حرفه‌ای الزامی است. با توجه به بازخورد مثبت سفرهای دانشجویی شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ی ۵۳۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۳۵ ماده‌ی واحده‌ی مقررات سفرهای دانشجویی را تصویب نمود که بر مبنای آن در سال‌های ۱۳۸۲ و

۱۳۸۳، تعداد ۳۰۱۷۰ نفر دانشجوی به عمره‌ی مفرده اعزام شده است. مسوولین تاثیر سفر به اماکن مذهبی به ویژه مکه‌ی مکرمه را در راستای اسلامی نمودن دانشجویان مثبت ارزیابی می‌کنند.^(۱) مقوله‌ی اجرا و اخذ بازخورد، گسترده‌تر از آن است که در یک مقاله به آن پرداخته شود از این روی به دو نکته‌ی فوق، که به عنوان نمونه ذکر شد، اکتفا می‌شود. شایان ذکر است که اطلاعات مربوط به اجرا به وضوح قابل دسترس نیست.

۶- ارزیابی سیاست اجرا شده

از شروع گفتمان سیاستی در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک دهه می‌گذرد، طراح این گفتمان توقع داشت ثمرات این سیاست، قبل از ۲۵ سالگی انقلاب قابل رویت باشد. اکنون ۲۸ سال از انقلاب سپری شده است و انتظار می‌رود سیاست‌های کاشته شده به بار نشسته و میوه‌های آن قابل چیدن باشد. جهت ارزیابی، شیوه‌های مختلفی متصور است. یکی از این شیوه‌ها ارزیابی سیاست‌گذاران و تعیین‌کنندگان چشم‌انداز این سیاست‌ها است. مقام معظم رهبری در مورخه‌ی ۱۳۸۲/۷/۲۲، در زمینه‌ی محتوایی، تاثیر سیاست‌ها را منفی ارزیابی نموده و فرمودند:

«ما به خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را به مثل

۱. محسن قمی، مسوول سابق نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۸۵، مصاحبه با نگارنده در خرداد ۱۳۸۵.

وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ریزی خودمان را تنظیم کنیم»^(۱).

از آنجا که از ارزیابی مجریان سیاست‌گذاری اطلاعی در دست نبود، با مسؤول نهاد رهبری در دانشگاه‌ها در سال‌های اجرا مصاحبه‌ای ترتیب داده و نظر ایشان را مطلع شدیم. حجة الاسلام دکتر قمی معتقد است:

دانشگاه آرمانی در ۶ مولفه و مجموعاً ۵۵^(۲) ویژگی تعریف گردید که الان فاصله‌ی ما با آن به ویژه در زمینه‌ی متون آموزشی زیاد است. البته در ده سال گذشته توانسته‌ایم این فاصله (وضعیت موجود - وضعیت مطلوب) را کاهش دهیم ولی نمی‌توانیم بگوییم به دانشگاه اسلامی نزدیک شده‌ایم.

مقالات علمی ما در ۱۰ سال گذشته بیشترین رشد را در سطح جهانی داشته است. در سال ۱۳۵۷ به ازاء یک میلیون نفر حدود ۴۶ نفر پژوهش‌گر وجود داشت، ولی الان (خرداد ۸۵) به ازاء یک میلیون نفر ۸۰۰ پژوهشگر داریم.

- کسی منکر نیست که حرکت به سمت اسلامی شدن کند

۱. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳، دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویان مسلمان، تهران، نشر معارف، چاپ اول، ص ۱۲۳.

۲. سیاست راهبردی اسلامی شدن ۵۰ ویژگی و ۹ شاخص متمم دارد.

است، اما حرکت به آن سمت وجود دارد. البته شرایط جهانی نیز حرکت به این سمت را هموار نموده است؛ چون لجام گسیختگی فن آوری و صدمات آن، انسان‌ها را به سمت دانشگاه اخلاقی سوق داده است.

- من فکر می‌کنم ما در عرصه، سیاست‌گذاری نسبتاً خوب عمل کردیم، آن چیزی که مشکل است اجرای این‌ها است. زیرا خیلی از مسئولین اهمیت اسلامی شدن دانشگاه را درک نمی‌کنند. به عرصه‌ی فرهنگ زیاد اهمیت داده نمی‌شود. مشکلات جاری زیاد است و ما را از پرداختن به مسائل بنیادی غافل می‌کنند.

- در زمینه‌ی اصلاح متون آموزشی به ویژه در زمینه‌ی علوم انسانی مشکل داریم. ما تغییر و تحولی اساسی در علوم انسانی نداده‌ایم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شما می‌بینید متونی که آموزش داده می‌شود با متونی که در یک دانشگاه لائیک آموزش داده می‌شود خیلی تفاوت ندارد.

- ما هنوز معتقدیم اسلامی شدن دانشگاه ارشادی است و شما به زور و اجبار نمی‌توانید این کار را انجام دهید. باید نظریات اسلامی هم در کنار سایر نظریات مطرح بشود و دانشجو خودش این حق‌گزینش و انتخاب را داشته باشد. عدم ثبات در مدیریت اسلامی شدن دانشگاه‌ها (که معمولاً با تغییر دولت‌ها و شرایط سیاسی تغییر پیدا می‌کند) از آسیب‌های اجرای سیاست‌گذاری است.

- کمبود نظریه پرداز در زمینه‌ی اصلاح محتوای متون و

جوان بودن محیط دانشگاه نیز از آسیب‌های دیگر است.^(۱)

روش دیگر جهت ارزیابی سیاست‌های اجرا شده، که شاید از روش اول، علمی‌تر می‌نماید. بررسی میزان باور داشت و رفتار مذهبی دانشجویان می‌باشد که به دو طریق قابل بررسی است.

الف) مطالعه‌ی طولی میزان باورداشت و رفتار مذهبی دانشجویان قبل از اجرای سیاست‌گذاری و پس از اجرا، که از طریق روند پژوهی صورت می‌گیرد.

ب) مقایسه‌ی میزان دین‌داری دانشجویان پس از ورود به دانشگاه نسبت به قبل از ورود، که از طریق نگرش‌سنجی قابل دسترس است.

البته مطالعه‌ی طولی به سبک روند پژوهی جهت سنجش میزان تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی در مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه صورت نگرفته است. لیکن با گزارش نتایج برخی پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان فی‌الجمله به نتایج مورد نظر رهنمون شد. اگر شاخص پای‌بندی به نماز، ستون و مهم‌ترین شاخص «رفتار» و «باور» دینی را مورد ارزیابی قرار دهیم. گزارش ذیل از پای‌بندی دانشجویان به فریضه‌ی نماز، نشانگر وضعیت مطلوب میزان دین‌داری و ثبات این وضعیت قبل و بعد از اجرای سیاست‌گذاری است.^(۲)

۱. تلخیص از مصاحبه با دکتر قمی، ۱۳۸۵.

۲. طالبان، محمدرضا، طالبان، ۱۳۸۲، افول دین‌داری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت،

فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۴۵.

جدول: وضعیت پای بندی به نماز به تفکیک تحقیقات انجام شده در سال های مختلف

ردیف	پژوهشگر	زمان جمع آوری اطلاعات	جامعه آماری	درصد کسانی که اظهار نموده اند به نحوی از آنها نماز می خوانند	درصد کسانی که اظهار نموده اند نماز نمی خوانند	تعداد نمونه
۱	طالبی	۱۳۷۳	دانشجویان روزانه دانشگاه های دولتی مراکز استان های کشور	۹۴/۹	۴/۲	۱۸۵۰ نفر
۲	نهاد نمایندگی رهبری	۱۳۷۹	دانشجویان دانشگاه تهران و کرمان	۹۵/۸	۹/۵	۲۰۰۰ نفر
۳	آغاز	۱۳۷۹	دانشجویان ترم اول دانشگاه های علوم پزشکی، دولتی و آزاد اراک	۹۵/۶	۳/۸	۴۰۰ نفر
۴	نهاد نمایندگی	۱۳۸۴	دانشجویان سراسر کشور	۷۶/۷	۲۳/۳	۱۴۰۰ نفر

منبع: ردیف ۱ تا ۳ فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، ردیف ۴ فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی. تفاوت

جمع درصدی با ۱۰۰ ناشی از نسبت بی جواب هاست.

راهنمای جامع

۱۱۷

سال دهم، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

برای شفاف‌سازی جدول فوق، توضیح اجمالی چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

الف) هر چند، جدول به یک شاخص و آن هم در میان دانشجویان، یکی از عناصر شش‌گانه‌ی دانشگاه پرداخته است، لیکن نماز مهم‌ترین سنجه‌ی دین‌داری بوده و دانشجویان مهم‌ترین عنصر دانشگاه هستند، زیرا فلسفه‌ی وجودی سایر عناصر مثل استاد، متون درسی، فضای دانشگاه و... تربیت دانشجوی مسلمان است. پس، جدول فوق می‌تواند نمونه‌ی گویایی از وضعیت اسلامی دانشگاه باشد.

ب) هر چند داده‌های جدول از مبنای واحدی برخوردار نبوده و مقایسه‌ی دقیقی به دست نمی‌دهد، لیکن فی‌الجمله نشان می‌دهد که براساس این شاخص در سال ۷۳، دانشگاه‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده‌اند و تا سال ۷۹ تغییر محسوسی رخ نداده است. براساس پژوهش آغاز ۰/۷ درصد و براساس پژوهش نهاد ۰/۹ درصد رشد وجود داشته است. و این تغییر ۰/۹ درصدی را به ملاحظه‌ی شواهد دیگر (که بعداً ذکر خواهد شد) نمی‌توان صد در صد به دانشگاه نسبت داد.

ج) هر چند پژوهش جامع سال ۸۴ نهاد، تنزل ۱۹ درصدی را نشان می‌دهد، لیکن این تنزل واقعی نیست. ناشی از نحوه‌ی سؤال پرسش‌نامه است. رقم ۹۵ درصد متعلق به دانشجویانی است که به نحوی نماز می‌خوانند. رقم ۷۶/۷ درصد متعلق به دانشجویانی است که نمازهای روزانه را می‌خوانند و به تعبیری «دائم الصلاة» هستند.

در سال ۱۳۸۴، در پاسخ به این سؤال که «آیا از زمان ورود به دانشگاه تاکنون در میزان پای‌بندی شما به نماز تغییر حاصل شده است؟» ۵۹/۴

درصد پاسخ‌ها منفی و $40/6$ درصد مثبت است.^(۱) پژوهش مذکور در جمع‌بندی یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که:

«درخصوص تغییر در میزان پای‌بندی به نماز از زمان ورود به دانشگاه تاکنون؛ بیشترین نسبت، اظهار داشته‌اند که تغییری به وجود نیامده و کمترین نسبت، اظهار داشته‌اند که تغییر ایجاد شده است».^(۲)

در پژوهش دیگری که توسط دکتر سید رضا نقیب‌السادات به سفارش نهاد و دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ انجام شده است، میزان دین‌داری به قرار ذیل توصیف شده است:^(۳)

- در خصوص میزان اعتقادات مذهبی دانشجویان، در بدو ورود به دانشگاه، بیشترین نسبت؛ یعنی $47/9$ درصد افراد، اعتقادات مذهبی ایشان در حد متوسط بوده است و کم‌ترین نسبت؛ یعنی $3/6$ درصد افراد، اعتقادات مذهبی ایشان در حد خیلی پایین بوده است.
- در خصوص میزان اعتقادات دینی پاسخگویان در حال اشتغال به تحصیل، بیشترین نسبت؛ یعنی $42/4$ درصد افراد، اعتقادات دینی شان در حد متوسط بوده است و کم‌ترین نسبت؛ یعنی $6/1$ درصد افراد اعتقاداتشان در حد پایین بوده است.

۱. نهاد رهبری، یافته‌های پیمایش دانشگاه‌های اسلامی کشور نسبت به نماز و احکام اسلامی، پاییز ۱۳۸۴، به نقل از فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، شماره ۲۸، ص ۲۷۶.
۲. همان، ص ۳۰۰.
۳. نقیب‌السادات، شاخص‌های دین‌داری در نزد دانشجویان، ۱۳۸۴، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۸، ص ۲۴۱.

براساس پژوهش فوق، بیشترین نسبت میزان دین‌داری با ورود به دانشگاه ۵/۵ درصد کاهش و کم‌ترین نسبت (اعتقادات خیلی پایین) ۲/۵ درصد افزایش پیدا کرده است که نشانگر تأثیر منفی دانشگاه بر میزان دین‌داری دانشجویان است.

در زمینه‌ی نگرش دانشجویان به فضای عمومی دانشگاه نیز، بیشترین نسبت، ۴۷/۴ درصد افراد، وضعیت فعلی دانشگاه به لحاظ دین‌داری را در حد متوسط و کم‌ترین نسبت؛ یعنی ۳/۱ درصد دانشجویان، آن را در حد خوب ارزیابی کرده‌اند. به لحاظ دین‌داری در ۵ سال آینده را در حد متوسط و کم‌ترین نسبت؛ یعنی ۱/۴ درصد افراد، آن را در حد خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. (۱)

نه تنها ورود به دانشگاه میزان دین‌داری دانشجویان را افزایش نمی‌دهد، بلکه بین میزان تحصیلات دانشگاهی و دین‌داری رابطه‌ی منفی وجود دارد، براساس پژوهش نهاد در سال ۸۴، رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و گرفتن روزه منفی است. با توجه به آزمون کای اسکور محاسبه شده به میزان ۲۴/۷۱۴ و درجه‌ی آزادی ۳، با یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی دو متغیر، معنی دار است. به عبارت دیگر، بین دو متغیر سطح تحصیلات دانشجویان پاسخگو و گرفتن روزه رابطه‌ی معکوس وجود دارد. بیشترین نسبت از کسانی که روزه می‌گیرند در مقطع کارشناسی و کمترین نسبت، در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر تحصیل می‌کنند. (۲)

یکی از عناصر مهم دانشگاه، متون درسی به ویژه دروس معارف است

۱. همان.

۲. فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، ش ۲۸، ص ۲۹۶، پژوهش نهاد.

که مستقیماً با اسلامی کردن دانشگاه ارتباط دارد. هم چنان که گفته شد در سال ۱۳۸۳ در عناوین و سرفصل‌های دروس معارف تغییر حاصل شد، لازم به ذکر است که دانشجویان کشور با بیشترین نسبت معتقدند «دروس معارف در تقویت گرایش آنها به نماز تأثیری نداشته است»^(۱)

نتیجه‌گیری

هر چند فرایند «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» پس از انقلاب، همواره وجود داشته، اما در سال ۱۳۷۵ گفتمان سیاست‌گذاری فرهنگی جایگزین گفتمان ارشادی گردید. و متولیان نظام به دستور رهبری شروع به سیاست‌گذاری نمودند، که محصول آن تدوین و تصویب سیاست‌های راهبردی و اجرایی دانشگاه اسلامی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

با استناد به الگوی چند مرحله‌ای سیاست‌گذاری فرهنگی، عملکرد نظام، در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، با نگاه اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد در ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها ابهاماتی وجود داشت که می‌توان یک دهه پس از اجرا، به آنها اشاره نمود.

الف) مفهوم «اسلامی کردن» هر چند در مقالات مختلف تعریف گشته و شاخص‌های آن از منظرهای مختلف بیان شده است، لیکن بر سر شاخص‌های اسلامی شدن اجماع حاصل نشده است. اصولاً برخی معتقدند ابهام اسلامی شدن دانشگاه از ابهام مفاهیم اسلامی ناشی شده است که هنوز مورد بحث و مناقشه قرار می‌گیرد. مثل مفهوم «ریا»، موسیقی حرام و غیره. اصولاً یک مرجعی که بتواند شاخص‌های دقیق دانشگاه

۱. نقیب السادات، همان، ص ۳۰۴.

اسلامی را بیان نموده و به مقبولیت عام تبدیل نماید وجود ندارد. هنوز بر سر تعبیر «اسلامی شدن» یا «اسلامی تر شدن» دانشگاه اختلاف وجود دارد. (۱)

ب) در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه، مدیریت واحد وجود ندارد، نهادهای موازی وجود دارد. در حالی که یکی از اصول سیاست‌گذاری، اتصال به یک مرجعیت واحد و مدیریت متمرکز است.

ج) در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، با توجه به امکانات محدود، نسبت به مؤلفه‌های شش‌گانه، اولویت‌بندی نشده است. هر چند در سال‌های اخیر، مقوله‌ی «تولید علم» اولویت پیدا کرده است، لیکن می‌بایست از همان ابتداء اولویت‌بندی صورت می‌گرفت.

د) به نظر می‌رسد با توجه به شاخص‌های چهارگانه (که به عنوان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در خاتمه‌ی سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاه‌ها ذکر شده) سیاست‌گذاری به اهداف نرسیده و نمره‌ی قابل قبولی کسب نمی‌کند به عبارت دیگر، اگر «راهبردها» را خوب ارزیابی کنیم در مرحله‌ی اجرا با مشکل مواجه شده و نتوانسته است ثمرات قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

ه) به نظر می‌رسد ایده‌ی مقام معظم رهبری در زمینه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، بر خلاف دستور صریح ایشان، مبنی بر «عدم فرسایش اداری» و «آشکار شدن ثمرات سیاست‌گذاری، پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب» تحقق پیدا نکرده است. (۲)

۱. مقیسه، حسن، از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۷.
 ۲. شرف‌زاده، محمد، ۱۳۸۳، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران.